

عنوان مقاله:

برخی چالشها در مدیریت برنامه های توسعه روستایی

محل انتشار:

اولین کنفرانس بین المللی توسعه روستایی، تجارب و آینده نگری در توسعه محلی (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 13

نویسنده:

اسماعیل شهبازی - استاد آموزش ترویج و توسعه روستایی، گروه آبادانی روستاها، دانشگاه شهید بهشتی، پارک علمی، تحقیقاتی و فناوری، پردیس

خلاصه مقاله:

مادام که مدیران آینده روستا و توسعه روستایی از طریق برنامه های مشخص «کارآموزی» و «کارورزی» در صحنه های واقعی به کار نپرداخته و مجرب نشده باشند، نمی توان از آمادگی آنان به عنوان افراد مستعد مدیریت، اطمینان حاصل کرد. این امیر در شرایطی است که مشکل اساسی، فقدان ثبات اجتماعی لازم برای طرح، تصویب و اعمال سیاست های راهبردی در زمینه مدیریت روستا و برنامه های توسعه، عمران و آبادانی روستاها می باشد. همزمان، نظام های مدیریتی مربوط نیز معمولاً فاقد معیارهای مشخص و ضابطه های لازم و کافی برای پذیرش و گزینش مدیران، و در عین حال استیلای روابط اجتماعی بر ضوابط علمی و قانونی گزینش مدیران صفی و ستادی برنامه های توسعه می باشند. وجود چالش های اساسی تری چون قیود و الزامات اجتماعی و فقدان معیارها و ضابطه های لازم و کافی برای پذیرش و گزینش مدیران، و در عین حال استیلای روابط اجتماعی بر ضوابط علمی و قانونی گزینش مدیران، توام با گرایش نامحسوس «ماموران تغییر» به تماس و برقراری ارتباط با متنفذین و متمولین، با خبرگان و نخبگان محلی در سطوح عملیاتی، در مجموع نظام مدیریت توسعه روستایی را در آستانه بحران قرار داده و به انحطاط میکشاند. عمده ترین معیارها و ضابطه های مورد نظر در جریان پذیرش و گزینش مدیران روستا و برنامه های توسعه روستایی، افزون بر آموزش های بدو و حین خدمت و بازآموزیهای مکمل، مواردی چون سطح تحصیلات، سابقه کار میدانی و اقامت درحوزه شغل و استقرار، حداقل چهار سال در شغل مورد تصدی و مجری بودن یک برنامه مشخص و برای یک دوره اشتغال معین و فقط شاغل به یک شغل بودن، از اینکه جمله این ضوابط علمی و قانونی برای گزینش مدیران روستا و برنامه های توسعه روستایی می باشند. با توجه به اینکه توسعه و پیشرفت ملی، وابسته به برنامه های توسعه روستایی و عمدتاً پیوسته به رونق اشتغال و زندگی در روستاها است، هر قسم برنامه ای که در روستاها طرح و اجراء می گردد، پیامد آن در برنامه های ملی نه تنها بازتاب- بلکه دارای نقشی هادی و اثربخشی می باشد. چالش اصلی مدیریت برنامه های توسعه روستایی ناشی از این بوده است که مدیران و مجریان برنامه ها همواره تجربیات حاصله در مناطق شهری را در نواحی روستایی به کار گرفته اند. و حال آنکه این به کارگیری میباید برعکس بوده باشد. چه آنکه امور مربوط به توسعه و عمران و آبادانی اصولاً متکی بر مشارکت های مردمی بوده که جوامع روستانشین هم طبیعتاً تجلیگاه آن است. برنامه های توسعه روستایی اصالتاً نیازمند وجود مدیرانی دانش مدار و کارآمد و مجرب در امور روستایی هستند. کما اینکه، مدیریت روستا مستلزم وجود دهیارانی دانش مدار و کارآمد و مجرب در امور روستای مربوط و عملاً در نقش یک معتمد و رهبر محلی و یا به عبارتی، در نقش یک «کدخدای» دیروز و مددکار امروز به عنوان «دهیار» می باشد.

کلمات کلیدی:

روستا، مدیریت روستایی، برنامه های توسعه، چالش های روستا

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/400168>



